

حکم مقدماتی دادگاه ایران تریبونال در باره جمهوری اسلامی ایران

روز شنبه ۲۷ اکتبر ۲۰۱۲ برابر با ۶ آبان ۱۳۹۱، قضات دادگاه ایران تریبونال بعد از سه روز رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی ایران در دهه شصت و شور سه ساعته، حکم مقدماتی زیر را در باره رژیم جمهوری اسلامی ایران صادر کردند. رئیس دادگاه، قاضی یوهان کریگلر، حکم را به شرح زیر از تریبون دادگاه قرائت کرد.

این یک رای موقت است که دیوان پس از سه روز رسیدگی صادر کرده است. دیوان، رای نهایی خود را در زمان مقتضی صادر خواهد کرد.

برگزاری دیوان ایران (ایران تریبونال)، اقدامی یگانه و بی نظیر است. برای نخستین بار خانواده های جان سپردگان و بازماندگان فرصت یافتند تا در باره جنایات رخ داده در جمهوری اسلامی ایران بین سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ با جهانیان سخن بگویند. این روندی استثنائی بود. قردادان کسانی هستیم که این رویداد تاریخی، بدون تلاش، شهادت و پشتکار آنان امکان پذیر نمی بود. دیوان، هم چنین از شاهدان و کمیته ی برگزاری و نیز از شورای برنامه ریزی، اعضای کمیسیون حقیقت یاب، دادستان ها و همه ی کسانی که به طور خستگی ناپذیر به تحقق این امر کمک کردند سپاس گزاری می کند. دیوان شهادت ۱۹ شاهده عینی و کارشناس را که شهادت کتبی خود را قبلا به دیوان تسلیم کرده بودند استماع کرد. در مواردی که برای کمک به دیوان ضروری بود؛ این مدارک از زبان اصلی فارسی به زبان انگلیسی ترجمه شد. شهود نخست به وسیله تیمی از دادستان های باتجربه و سپس از سوی هیات قضات مورد بازپرسی قرار گرفتند. در مواردی که شهود تمایل به ایراد شهادت به زبان فارسی داشتند، دیوان از همکاری مترجمانی توانا جهت ترجمه همزمان بهره گرفت. با ارسال نامه ای به سفیر جمهوری اسلامی ایران در لاهه به تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲ از آن ها جهت حضور در دیوان و دفاع از خود دعوت به عمل آمد، اما آن ها از تایید دریافت دعوت نامه و پاسخ به آن خودداری کردند. دیوان، از تصمیم جمهوری اسلامی ایران برای عدم حضور در دادگاه متأسف است و آن را تقبیح می کند.

شواهد به خودی خود گویا هستند. این شواهد، دلایل غیرقابل انکاری هستند بر نقض گسترده، سازمان یافته و مداوم حقوق بشر که توسط جمهوری اسلامی ایران و به نیابت از آن به اجرا در آمده است. دیوان از حجم گسترده و قدرت اقناع مدارک و شواهد بلامعارض تحت تاثیر قرار گرفته است.

تشکیل این دیوان، سال های زیادی طول کشیده است: فکر ایجاد آن توسط ایرانیان تبعیدی که از آزار و تعقیب در کشورشان گریخته اند، به صورت فردی و تشکیل جامعه مدنی بوده است. اینها، مصمم بودند عدالت را برای جنایاتی که علیه خود و هموطنان شان رخ داده است، جست و جو کنند.

این دیوان، بر اساس موازین حقوق بین الملل و اولویت حاکمیت حقوقی و با تصمیم قضات بین المللی مستقل و بی طرف شکل گرفته است.

قضات حاضر مبتنی بر حجم قابل اتکایی از شواهد و مدارک، از جمله گزارش کمیسیون حقیقت یاب است که جلسات خود را از تاریخ ۱۸ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ در لندن برگزار نمود. این کمیسیون، شهادت ۷۵ شاهد را که شخصا تحت آزار رژیم ایران بودند استماع کرد. این افراد، یا شخصا تحت شکنجه و حبس قرار گرفته بودند یا اعضای خانواده ی زندانیان اعدام شده بودند. این شواهد به وضوح و به شیوه ای روشمند اعمال ارتكابی توسط جمهوری اسلامی ایران

علیه شهروندان را توصیف می کند. شهود علاوه بر شهادت شفاهی، اظهارنامه کتبی تسلیم کمیسیون حقیقت یاب کردند و این مدارک به عنوان ضمایم گزارش کمیسیون در حد وسیعی در اینترنت قابل دسترسی است. گزارش کمیسیون حقیقت یاب نزدیک به ۶۴ صفحه است و ۱۴۰۰ نقل قول در آن آمده به نحوی که هر اظهار نظر به طور کامل با شواهد و مدارک ذکر شده تایید می شود. دیوان، این گزارش را به عنوان مدرک معتبر و قابل استناد می پذیرد.

شهود در نزد کمیسیون و دیوان بر ماهیت این موارد نقض حقوق بشر به عنوان آسیب گسترده و نظام مند به افراد شخصی و غیرنظامی گواهی دادند و در بسیاری موارد مدارک مستند نیز در تایید شهادت شان ارائه کردند. براساس یافته های دادستان ها؛ موارد زیر مورد بررسی قرار گرفته و غیرقابل انکار دانسته شد. شش شکل مختلف از نقض فاحش حقوق بشر وجود دارد که شواهد تسلیمی به کمیسیون حقیقت یاب و به این دیوان به طور غیرقابل انکاری به آنان اشاره دارد: قتل، شکنجه، حبس غیر عادلانه، خشونت جنسی، تعقیب و آزار و سر به نیست کردن (ناپدید کردن). همان گونه که، دادستان در دادخواست تقدیمی ذکر کرده است:

نخست اینکه؛ جمهوری اسلامی ایران مرتکب قتل شده است. فیلم مستند نیما سروستانی گورهای زندانیان سیاسی اعدام شده را نشان داد، تا آنجا که چشم کار می کرد امتداد یافته اند؛ گورکن گورستان شیراز تحویل شصت جسد از قربانیان زیر بیست سال در یک مرحله را گزارش داد. اینها ساعت ده صبح دستگیر شده و یازده صبح اعدام شده بودند؛ خانواده ها به طور کامل نابود می شدند و برخی بندهای مملو از زندانی به تمامی پاکسازی می شدند؛ گروه گروه زندانی به وسیله جوخه های آتش تیرباران می شدند و همچنان نفس می کشیدن و با تیر خلاص از پای در می آمدند؛ و ما امروز صبح از یکی از شاهدان شنیدیم که چگونه زندانیان کم سن و سال را فریب می دادند و مجبور می کردند تیر خلاص بزنند؛ کامیون های پر از اجساد را در گورهای دسته جمعی فرو می ریختند. دیوان شواهد گسترده ای مبنی بر قتل نوجوانان زیر سن قانونی استماع کرد. در هیچ موردی اعدام مطابق روند دادرسی انجام نگرفته است. در سال ۱۳۶۷ پیرو فتوای صادره از سوی آیت الله خمینی؛ بیش از پنج هزار نفر از زندانیان سیاسی در فاصله ی زمانی چند ماه کشته شدند (اغلب با طناب دار).

دوم اینکه؛ هیچ شاهدهی نبود در زندان تحت شکنجه جسمی و روحی، فرار نگرفته باشد. زندانیان را با بازو از سقف می آویختند؛ بر کف پای شان تازیانه می زدند؛ کتک می زدند؛ از خواب محروم می کردند؛ در سلول انفرادی حبس می کردند؛ تحت اعدام ساختگی قرار می دادند و مجبور می کردند شکنجه ی سایر زندانیان را تماشا کنند. یا در حضور کودکان شان آنان را شکنجه می کردند. شکوفه سخی به دیوان گفت که چگونه برای ساعت های بی پایان و ماههای متوالی در محرومیت حسی کامل در یک جعبه ی سیاه (تابوت) قرار گرفته بود. تاثیر کلی این شکنجه تبدیل کردن زندانیان به "مرده ی متحرک (زامبی) از طریق تخریب حس هویت و شخصیت فردی شان بود. شاهد دیگری در حضور دیوان از "تجاوز روانی" سخن گفت که وی را به عروسکی تبدیل کرده بود که ممکن بود به عنوان عضوی از جوخه آتش توابعین به روی همبندانش آتش می گشود.

سوم اینکه؛ جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم تعقیب و آزار سازمان یافته شده که گزارش کمیسیون حقیقت یاب در بند ۲، ۵، ۴ (صفحه ی ۴۷) به آن پرداخته است. کردها، عرب ها و بهانیان مورد هدف قرار گرفتند. حمایت قانون از بهانی ها دریغ شد. قانون اساسی جمهوری اسلامی " آنان را در گروه اقلیت های دینی رسمی قرار نداده است و این بدین معناست که می شد بدون ترس از مجازات آنان را کشت. مکان های مقدس آنان از جمله خانه باب تخریب شد؛

منازل شان به آتش کشیده شد؛ گورستان های شان مورد تخریب قرار گرفت؛ رهبران شان مکرراً "حذف فیزیکی شدند؛ حق انجام شعائر دینی از آنان دریغ شد؛ از کار اخراج شدند؛ به زور وادار به تغییر کیش به اسلام و طلاق دادن همسران شان شدند و برای ازدواج با پاسداران انقلاب تحت فشار قرار گرفتند. به اتهام بهائیت زندانی شدند و تهدید شدند که یک به یک نابود خواهند شد.

چهارم اینکه؛ جمهوری اسلامی ایران بر سوءاستفاده ی جنسی از زندانیان توسط زندانبانان چشم فرو بست. طبیعی است که گردآوری این گونه شواهد دشوار است اما بند ۲، ۴، ۱. گزارش کمیسیون حقیقت یاب توضیح می دهد که چگونه مردان و زنان مورد آزار جنسی قرار می گرفتند.

پنجم اینکه؛ "با نقض آشکار مقررات بنیادین حقوق بین الملل " افراد زندانی می شدند. بند ۲، ۱ - ۴، ۱ گزارش کمیسیون حقیقت یاب توصیف می کند که چگونه افراد برای مدت های طولانی بدون محاکمه در حبس می ماندند. در جلسات رسیدگی ای که فقط چند دقیقه طول می کشید به زندانیان اتهام جرائم سیاسی مبهم و نامشخص می زدند و در طول این جلسات زندانیان را که چشم بند به چشم داشتند مورد توهین و ضرب و شتم قرار می دادند. هیچ متهمی در هیچ دادگاهی امکان دسترسی به هیچ نوع مشاوره و دفاع حقوقی از هیچ نوع پیدا نکرد. زندانیان تحت رفتار ستمگرانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار داشتند: سلول های زندان بیش از ظرفیت شان زندانی داشت؛ امداد پزشکی دریغ می شد، از جمله برای آسیب های ناشی از شکنجه و بیمار های واگیری که در بندها شیوع می یافت؛ زندانیان وادار به شرکت در جلسات ایدئولوژیک مذهبی می شدند و تحت تهدید دائمی مرگ زندگی می کردند.

به علاوه، خانواده ی زندانیان مورد رفتار بیرحمانه قرار داشتند. آنان مجبور بودند هزینه گلوله ها بی که برای کشتن عزیزانشان مصرف شده بود را بپردازند؛ اگر سعی می کردند مجلس سوگواری برپا کنند مورد ضرب و شتم واقع می شدند و سنگ قبرهای کشته شدگان تخریب می شد؛ حق دریافت جسد فرزندان از مادران دریغ می شد. وقتی ملکه مصطفی سلطانی برای تحویل گرفتن جسد برادرانش مراجعه کرد بدن آنها به حدی با گلوله تکه پاره شده بود که اندامهای داخلی شان بیرون آمده بود و سرتاپا غرق خون بودند. شهود بر افسردگی و کابوس های مکرر شهادت دادند. میراث آزار و بدرفتاری فراگیر است و تا به همین امروز هم ادامه یافته است.

علاوه براین؛ ما با بند مربوط به "انتساب رخدادها" (انتساب جرم) که در صفحه ی ۶۴ گزارش کمیسیون حقیقت یاب آمده است توافق داریم:

بر اساس شهادت شهود، دستگیری ها، مفقودالائرشدن ها، روش های شکنجه، " محاکمات" و اعدام ها در همه ی زندان ها و بازداشتگاه ها در سراسر ایران، چه در مشهد، شیراز، تهران یا مهاباد دارای ویژگی های یکسانی بود. شهادت شهود، الگوهای مشابه و فراگیری از وحشیگری و بی توجهی به حقوق ابتدایی انسانی و نیز اعدام های فراقضائی در سراسر کشور را افشا کرد.

کمیسیون نتیجه می گیرد که این موارد نقض حقوق بشر به وسیله ی یک مرجع مرکزی طرح ریزی شده و به مرحله ی اجرا درآمد (یا موجبات اجرای آن فراهم شد) و در نتیجه رژیم جمهوری اسلامی ایران تنها مرجع مسئول این اعمال است.

رخدادهای گزارش شده به وسیله ی کمیسیون را مسئولان حکومتی مرتکب شده اند: "قضات"، " دادستان ها"، مسئولان زندان ها، شکنجه گران و بازجوها. از آنجا که این افراد کارگزاران حکومتی هستند، رژیم ایران " در قبال این فجایع، مسئولیت بین المللی دارد.

با این حال، مسئولیت حکومت ایران رافع مسئولیت فردی کسانی که مرتکب این اعمال شده اند نیست.

به علاوه، با تایید زمینه ی فوق که مبتنی بر رویدادهای رخ داده است، دیوان دریافته است که:

الف) جمهوری اسلامی ایران مسئولیت تام و تمام در قبال موارد نقض شدید حقوق بشر علیه شهروندانش تحت میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، دارد؛

ب) جمهوری اسلامی ایران، پرونده ای قوی برای ارتکاب جرم و جنایت علیه بشریت در سالهای دهه ی ۱۹۸۰ میلادی (دهه ی شصت شمسی) تحت قوانین جاری و عرف حقوق بین الملل که قابل اجرا در مورد ایران است، دارد که باید پاسخگوی آن باشد.

دیوان توصیه می کند که:

۱) جمهوری اسلامی ایران به عنوان مرجع اولیه که بیشترین مسئولیت را به عهده دارد به این جنایات رسیدگی کرده و مرتکبین متهم شده را به دست عدالت بسپارد.

۲) همان طور که گزارشگر ویژه سازمان ملل توصیه کرده است، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد کمیسیون تحقیق برای رسیدگی به این جنایات تشکیل دهد.

۳) سازمان همکاری اسلامی به کمیسیون مستقل دائمی حقوق بشر خود ماموریت دهد که این موارد نقض حقوق بشر را به عنوان " اولویت حقوق بشری " به رسمیت شناخته و " بررسی و مطالعه کند".

۴) کشورها به طور انفرادی به تعهدات خود در قبال حقوق بین الملل عمل کنند، از جمله با اعمال صلاحیت حقوقی بین المللی برای تعقیب مرتکبین جرائم به طور فردی و مسئول شمردن آنها برای ارتکاب جنایت علیه بشریت.

۵)

۶) جامعه ی مدنی از یافته های این دیوان به طور کامل حمایت و به ثمر رسیدن آنها را پیگیری کند.

دیوان، کلمات قاضی جکسون در نورمبرگ را به جامعه بین المللی یادآوری می کند که گفت: " جنایات علیه حقوق بین الملل به وسیله انسان های حقیقی رخ می دهد نه اشخاص انتزاعی و فقط با مجازات افرادی که این گونه جنایات را مرتکب می شوند می توان مفاد حقوق بین الملل را اجرا کرد".

دیوان علاقمند است، یک بار دیگر، مراتب سپاس گزارای خود را به همه برگزارکنندگان و شهود تقدیم کند که با ابتکار مثال زدنی در سرتاسر این روند طولانی تا پایان مشارکت کردند: امیدواریم کارشما الگویی برای سایر مردم در سراسر عالم قرار گیرد تا حقوق خود، تحت قوانین حقوق بین الملل را مطالبه کنند و موفق شوند توجه جهان را جلب کنند تا به رنج ها و مصیبت های شان گوش فرا دهند.

اتخاذ شده به وسیله ی دیوان ایران (ایران تریبونال) در سالن اکادمیک حقوق ساختمان لاهه به تاریخ ۲۷

اکتبر ۲۰۱۲

یوهان کرایگر

مایکل منسفیلد

ماکایو موتوا

مارگارت کانستلر

جان داگرد

پاتریشیا سلرز